

امام حسین علیه السلام

ومبارزه با بدعت ها

حسین درياب


بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام و مبارزه با بدعت ها

نویسنده:

حسین دریاب

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
امام حسین(ع) و مبارزه با بدعت ها ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
مقدمه ----- ۶
بدعت های اهل کتاب ----- ۶
بدعت های خلفای فاسد ----- ۶
مبارزه با بدعت گذاران واجب است ----- ۸
افزایش های بدعت های یزید ----- ۸
امام حسین اهل بدعت را به مبارزه می طلبد ----- ۹
امام حسین اهداف قیام خود را بیان می کنند ----- ۹
درخواست ها که از رفتن منصرف شود ----- ۱۱
اهداف بنی امیه از انتخاب یزید برای خلافت ----- ۱۱
عزم راسخ آن حضرت برای مبارزه با بدعت ها ----- ۱۲
شهادت علی اصغر بدعت گزاران را رسوا کرد ----- ۱۳
کشانیدن یزید برای محاکمه علنی در مجلس شام ----- ۱۵
اعترافات خلیفه جنایت کار بر کفر الحاد و دشمنی با اسلام ----- ۱۵
درباره مرکز ----- ۱۷

امام حسین(ع) و مبارزه با بدعت ها

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: دریاب، حسین

عنوان و شرح مسئولیت: امام حسین (ع) و مبارزه با بدعت ها [منبع الکترونیکی] / حسین دریاب

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۲۹KB)

موضوع: حسین بن علی(ع)، امام سوم

مقدمه

بدعت آن است که چیزی را در دین وارد کنند که در دین نیست و یا چیزی را که کتاب و سنّت حرام کرده اند، حلال کنند، و یا آن چه را حلال کرده اند، حرام بدانند. به این عمل از جهت تازه و نو بودن بدعت می گویند.

بدعت های اهل کتاب

هر پیامبری را که خداوند برای بندگانش می فرستاد و با آنان دین و احکام می آورد،پس از وفات و غیبت آن پیامبر مدت کمی نمی گذشت که شیاطین سود جود و فرصت طلب به عنوان های مختلف احکام آن دین را تحریف و تغییر می دادند و بدعت هایی را در آن می گذاشتند و به نحوی آن بدعت ها را توجیه می کردند، و اصطلاحات فریبنده ای رابه کار می بردند، مانند مصلحت اهم و مهم مقتضی زمان و از این قبیل واژه هایی که می توان به وسیله این واژه ها متدینان بی خرد را اغوا کرد، چنان که آیات قرآنی به این امر کراراً اشاره می فرماید: «یحرفون الکلم عن مواضعه .این بدعت ها و تحریف ها را به گونه ای وارد می کردند، که نه تنها در احکام و شرایع دین بلکه در مسائل اعتقادی نیز انحراف و بدعت ایجاد می شد مانند: عیسی پسر خدا، و عزیر پسر خدا و تثلیت و سه گانه بودن خدا که آیات فراوانی در این زمینه ضمن اشاره به اهل کتاب و رد کردن این اعتقادات آنان را به کافر بودن محکوم می کند.

بدعت های خلفای فاسد

همواره شیاطین هر زمان این شیوه شیطانی را تعقیب کردند تا زمانی که خداوند دین اسلام را (که برترین ادیان الهی است به توسط بهترین برگزیدگانش محمد بن عبدالله (ص) فرستاد و آشکار نمود. حضرت رسول (ص) پس از این همه تلاش و تحمل رنج و مشقّت دین مقدس اسلام را در میان مردم ترویج کرد و به دستور مؤکد خداوند،خلیفه و جانشین پس از خود را منصوب نمود. اما هنگامی که چشم از دنیای فانی بربست

و هنوز آب غسـل بـدن مبارکش به کفن خشک نشـده و بـدن مطهر آن حضـرت دفن نشـده بود، حرامیان منافق و سود جویان فرصت طلب در خفـا گرد هم آمدنـد و نص حکم خداونـد را تحریـف کردنـد؛ یعنی خلافـت امیر مؤمنـان (ع) را که خـداوند تعیین کرده بود و آیه تبلیغ ولایت را برای اوّلین آیه تحریف کردنـد و آن را خلیفه اختراع کردنـد، سپس احکام الهی را یکی پس از دیگری تحریـف کردنـد؛ چنـان که بعـد دومین آیه آیه ارث بود که تحریف کردنـد و ابوبکر دروغی را به رسول خـدا (ص) نسـبت داد و گفت ما گروه پیامبران بربازمانـدگان ارثی نمی گـذاریم و آنچه که از ما بمانـد از آن بیت المال است فخر رازی در تفسـیر خـود، ذیـل آیه مزبور، بر این حـدیث چنـدین اشـکال وارد می کنـد و می گویـد: «بمانـد که این گفته ابوبکر خلاـف نص ّقرآن است .. اضـافه بر آن پیغمبر (ص) یـک فرد حکیم و دانـا است هرگز سـخن بیهوده و بی ربط نمی گویـد و مسـئله ارث پیغمبر (ص) به ابوبکر مربوط نیست چگونه پیامبر (ص) به کسـی چیزی بگویـد که با او ربطی ندارد، در حالی که کسانی مربوط به ارث بودند، مانند ابن عباس و حضرت امیرمومنان (ع) و حضرت فاطمه (س) که اینان از عقلا و دانایان بودند که اگر بنـا بود پیغمبردربـاره ارث چیزی بگویـد، به طریق اولی به اینـان می گفت در حالی که پیامبر خـدا (ص) به آنها چیزی نگفته بود.»آری از این قبیل بدعت ها و انحراف ها در دین از جانب مدعیان خلافت غاصبان در دین وارد آورند که

زمینه را چنان برای یزید بن معاویه هموار کرد که بسیار آسان نه تنها غصب خلافت نمود بلکه شتاب زده مبادرت به تحریف و بدعت در احکام دین مقدس اسلام کرد.

مبارزه با بدعت گذاران واجب است

آری بنی امیه در واقع یزید را برای از بین بردن دین اسلام و محو قرآن برای خلافت و حکومت برگزیده بودند. اما حضرت سیدالشهدا (ع)، چنان در برابر این دسیسه ها و بدعت های بنی امیه منفعل و بی تاب شده بود که دیگر تاب قرار و سکوت رانداشت زیرا رسول خدا (ص) فرمود:«اذا رأیتم أهل الریب و البدع من بعدی فاظهروا البرائه منهم واکثروا من سبّهم و القول فیهم و الوقیعه و با هتوهم کیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام و یحذّر هم النّاس و لایتعلمون من بدعهم یکتب الله لکم بذلک الحسنات و یرفع لکم به الدرجات فی الآخره هرگاه پس از من با گمراهان و بدعت گزاران در دین برخورد نمودید با صراحت و آشکارا با آنان مخالفت کنید و از آنها برائت بجویید و به آنان بدگویی گویید و آنان را بی ارزش کنید و هر چه زشتی است به آنان نسبت دهید، تا میان مردم بی ارزش شوند و نتوانند در دین اسلام فساد ایجاد کنند و از آنان دوری و کناره گیری کنند، بدعت هایشان را نیاموزند که خداوند برای هر کلمه ای که بر آنان گویید، حسناتی را ثبت خواهد نمود و برای آن درجاتی را به شما خواهد افزود.»

افزایش های بدعت های یزید

هر روز از گوشه کنار گزارش هایی درباره تغییر احکام الهی و نا دیده گرفتن ارزش های دینی می رسید؛ یک روز گزارش می رسید که قصر نشینان یزید، به دستور یزید شراب را حلال کرده اند و روز دیگر حرام دیگری را مباح و حلال کرده اند و اگر فرد با ایمانی پیدا می شد و نهی از منکر می کرد، با برخورد توجیه گرانه اموی ها روبه رو

می گردید، و یا او را تکفیر و محکوم به مرگ می کردند.لذا حضرت سیدالشهدا (ع) بر اساس رد این بدعت ها و انحراف های دینی حرکت جهادی خود را آغاز نمود، زیرا پیغمبر خدا (ص) فرموده بود:«اذا ظهرت البدع فی اُمتی فلیظهر العالم علمه و الّا فعلیه لعنه الله و الملائکه الناس اجمعین هرگاه بر امتم بدعت ها آشکار شد، پس حتماً بر عالم باد که علم خود را آشکار کند و گرنه لعنت خداوند و تمام فرشتگان و همه مردم بر او خواهد بود.»و این یک دستور الهی بر علما است

امام حسین اهل بدعت را به مبارزه می طلبد

شکی نیست که مصداق بارز و برجسته «عالم حضرت امام حسین (ع) بود، و لذا هنگامی که خواست حرکت کند فرمود: «ان کان دین محمد لم یستقم الّا بقتلی یا سیوف فخذینی اگر بنا باشد دین جدم با این دسیسه ها سقوط می کند]و برپا نمی شود مگر به ریختن خون من پس ای شمشیرها مرا دریابید.»، پس آن حضرت در آغاز نامه هایی که به گوشه کنار بلاد فرستاد، مسلمانان را از بدعت هایی که یزید در دین وارد کرده بود، آگاه نمود و آنان را برحذر کرد، و در ضمن حرکت و قیام خود، به آنان ابلاغ نمود که ای مسلمانان من به جهاد با بدعت گزاران و دشمنان قسم خورده دین اسلام می روم که آنان قصد دارند، دین اسلام و قرآن را از بین ببرند.

امام حسین اهداف قیام خود را بیان می کنند

امام به برادرش محمد بن حنفیّه نوشت که بعضی از عبارات آن چنین است «وانی لم أخرج أشراً و لا بطراً و لامفسد و انما خرجت لطلب الاصلاح فی اُمه جدّی (ص) و أرید أن آمر به المعروف و أنهی عن منکر و أسیر بسیره جدی و أبی علی بن أبی طالب (ع)؛همانا من به قصد سرکشی و خون ریزی و ظلم قیام نکردم بلکه برای اصلاح امت جدّم (ص) قیام کردم و قصدم امر به معروف و نهی از منکر بود و سیره من همان روش جدم و پدرم علی (ع) است »سپس عزم بیت الله الحرام نمود که در موسم حج دسیسه های یزید و بنی امیه را که دشمنان قسم خورده اسلام بودند، در جمع مسلمانان که برای حج گرد آمده اند، افشا کند. وقتی

که به مکه فرود آمـد، بیـانیه هایی را درباره بـدعت ها و انحرافات در دین اسـلام صادر نمود و به هر کس که می رسـید، علم خود را در این بـاره و رسوا کردن بنی امیه ظـاهر می کرد، آن گـاه عمال بنی امیه افشاگری های آن حضـرت را برای یزیـد بن معـاویه گزارش کردنـد و یزیـد هنگـامی که از حرکت آن حضـرت با خبر شـد، سـی نفر از شـیاطین بنی امیه را که سـلاح زیر پوشـش خود مخفی کرده بودنـد، مأمور کرد که حضـرت سیدالشـهدا (ع) را به قتل برساننـد.اگر چه به پرده های کعبه آویزان باشـد، حضـرت از نقشه بنی امیه مطلع شـد و به سوی مدینه حرکت کرد، و بار دیگر به روضه جدّش رسول خدا (ص) رفت و اوضاع اسـلام و مسـلمانان را با قبر جدّ بزرگوارش در میان گذاشت و مشـغول دعا و نماز و راز و نیاز شد. سـربه سوی آسـمان بلنـد کرد و عرض کرد: پروردگارا، این قبر پیامبر تو محمـد است و من فرزند پیغمبر تو هسـتم خود از حال من باخبری خودت می دانی که من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم پروردگـارا تو را به صاحب این قبر قسم می دهم مرا به راهی که رضای تو و رسولت است راهنمایی کنی سپس بسیار بگریست رسول خدا امام حسین را به جهاد با بدعت ها می فرستدلحظاتی به خواب رفت در عالم رؤیا خود را در آغوش جـدّش رسول خـدا (ص) دیدکه به او می گوید:«حبیبی یا حسـین کأنّی أراكَ عن قریب مرمّلًا بدماك مذبوحاً بارض کربلا؛ فرزندم برو به سوی شهادت زود است تو

را به خاک و خونت آغشته بنگرم ...»فرزندم تو باید برای دین شهید شوی آن گاه از خواب بیدار شد به دستور جدّش رسول خدا (ص) بی درنگ عمل کرد و به حرکت خود ادامه داد.

درخواست ها که از رفتن منصرف شود

در هر حالی که بزرگان مدینه هر کدام از باب نصیحت حضرت را از رفتن به عراق منع کردند، حضرت (ع) چون چیزی را می دید و آنان نمی دیدند و این بدعت ها و انحرافات امویان را در اسلام بزرگ ترن خطر احساس می کرد، برخورد با بدعت را ما فوق زندگی در دنیا می دید.لذا هر کدام را به یک نوع مجاب می کرد و از آنان می گذشت و به حرکت خود ادامه داد، و شاید اگر آن حضرت (ع) به حرکت خود ادامه نمی داد، همه هستی اسلام از بین می رفت

اهداف بنی امیه از انتخاب یزید برای خلافت

بنی امیه با تلاش فراوانی به وسیله تبلیغات وسیع قداستی برای یزید پدید آوردند و به گونه ای چهره منحوس یزید را، مقدس و والامقام نمایاندند که اگر یزید، حکمی را صادر می کرد، مردم بدون چون و چرا آن را باور می کردند. او به جایی رسیده بود که می توانست تک تک احکام اسلام و ارزش های اسلام را یکی پس از دیگری مندرس و نابود کند، زیرا یزید این موقعیت چنانی را از دو اهرم بزرگ به دست آورده بود:۱- اموال بیت المال را در اختیار داشت که معاویه به مدّت چهل سال آن مال های فراوان را ذخیره کرده بود و بی درنگ همه این اموال در اختیار یزید قرار گرفت و او می توانست با این مال بسیار، هر کاری را که اراده کند، انجام دهد؛۲- حقد و کینه و دشمنی هایی که بنی امیه از جنگ بدر در سینه ها داشت (همان طوری که در دعای ندبه آمده أحقاداً بدریه و حنینیّه دست به دست هم داده بود که اسلام و مسلمانان را نابود کنند،

این دو امر نیرومند و قوی یزید را بر عرشه قدرت و مقام علیه دین اسلام و مسلمانان جرئت داده بود.این مطالب از حوادث حرکت امام حسین (ع) به دست می آید، طبری در تاریخ خود می گوید: حضرت امام حسین (ع) در زمین بیضه میان دو لشکر، لشکر خود و لشکر حرّ بن یزید بن ریاحی پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم حضرت رسول خدا (ص) فرمود: هر آن کس که سلطان جائری را ببیند که حرام خدا را حلال کند و پیمان خداوند را بشکند، و خلاف سنت دین رسول خدا عمل کند، و در میان بندگان گناه ستم را رواج دهد،و آن کس علیه او کاری نکند و سخنی در رّد او نگوید، این حق خداوند است که کیفر و عقاب او را با همان سلطان یک سان قرار دهد، ای مردم همانا گروه بنی امیه به پیروی شیطان رفتند و از اطاعت خداوند سرپیچی کردند و در دین خدا رخنه و فساد ایجاد کردند،و حدود الهی را تعطیل نمودند و اموال بیت المال را حیف و میل کردند و حرام خدا را حلال کردند و من سزاوراتر از دیگران به امر خلافت هستم ..

عزم راسخ آن حضرت برای مبارزه با بدعت ها

و در کتاب حلیه الأولیاء نقل شده هنگامی که لشکریان یزید، صحرای کربلا را پرکردند و جنگ قطعی شد، حضرت امام حسین (ع) رو کرد به اصحاب خود و فرمود: اوضاع را چگونه می بینید! مردم دنیا از اسلام برگشتند و همه چیز واژگون و محیط دنیا مانند شوره زاری تلخ شده و چیزی از آن جز پس مانده ای در چاله ها و چراگاهی پس مانده

باقی نمانـده آیا نمی بینیـد به احکام دین حق عمل نمی شود و از بـدعت ها و باطل ها نهی و جلوگیری نمی شود.... تا این که مومن به لقـاء الله رغبت نمایـد، سـپس فرمود: «انّی لاـ أری الموت الّاسـعاده و الحیـاه مع الظّـالمین الّـا برمـا؛ اکنون مرگ را جز سعادت و زندگی را با ستم گران جز بدبختی و خواری نمی بینم »و در بحار نقل شده در روز عاشورا به حضرت ابا عبدالله (ع) گفته شد، به حکم عموزاده ات یزید فرود آی تا از مرگ رهای یابی فرمود: نه به خدا قسم هرگز دست ذلّت به شـما نمی دهم و مانند برده ها فرار نخواهم کرد، سـپس این آیه را تلاوت کرد: انّی عُذْت ُبِرَبِّی وَرَبِّکُم مِن کُل ِمُتَکَبِّرٍ لا یُؤْمِن ُبِیَوْم ِالْحِسَاب ؛ من به خـدای آفریننـده من و شـما و همه عالم از شـر هر کافر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد، پناه می برم و از او یاری می طلبم سـپس فرمود: مرگ با عزّت بهتر است از زندگی با ذلّت و این ابیات را انشا نمود.الموت خیراً من رکوب العارو العـار أولی من دخول نـاری والله ماهـذا و هـذا جـاری بـا حوادث روز عـاشورا و بعـد از آن اسارت اهل بیت (ع) پرده از چهره جنایات یزید بر کنار می رود و از آن حوادث جریحه دار، شـهادت علی اصـغر (ع) است که اگر علت شهادت علی اصغر طفل شیر خوار حضـرت سیدالشـهدا (ع) همیشه تحقیق و بررسـی شود،مطالب مهمی به دست می آید. که واقعیت ها را آشـکار می نماید.

شهادت علی اصغر بدعت گزاران را رسوا کرد

۱- بنی امیه به طوری برای یزید و خلافتش تبلیغ کرده بودند که مسلمانان یزید را خلیفه

به حق رسول الله می دانستند. هر حکمی را صادر می کرد، حکم خدا می دانستند.شهادت علی اصغر تمام تبلیغات دروغ را بر ملاـ و خنثی نمود.۲- مخالف یزید را کافر و مهدور الدم می دانستند، که شهادت علی اصغر نقاب اسلامی را از چهره یزید برطرف کرد و ثابت شد که یزید کافر است و دین اسلام از گزند او مصون باقی ماند.۳- هر که بدعت های یزید را نمی پذیرفت فوری از جهت مرتد شدن به قتل می رسید، ولی شهادت علی اصغر ثابت کرد که یزید و طرف دارانش بویی از دین نبرده اند و او دشمن دین و بشریت است ۴- چنان بدعت ها گسترده و بسیار بود که رفته رفته بیم محو اسلام احساس می شد، و شهادت علی اصغر چنان یزید را از ولایت بر اسلام نزد مردم ساقط کرد که کسی دیگر جرئت نمی داشت بگوید شراب خوردن به دستور یزید حلال است و یا بدعت دیگری را مباح بداند.۵- اگر شهادت علی اصغر نبود، بیم آن بود که خون همه شهدا از بین برود و بنی امیه باقی بمانند و کسی دیگر سوگواری نکند، و می گفتند، مردی مردی را کشت و کشته شد و تمام شد، ولی شهادت علی اصغر این عذر را از مردم گرفت و دیگر برای مردم سخنی نگذاشت جز انزجار و تنفر وجدان ها از بنی امیه را افزود و نام یزید را نزد وجدان های دوست و دشمن متنفّر و زجر آور نمود.۶- لذا هنگامی که حضرت قنداقه علی اصغر را آورد، چنان لرزه به اندام قوم افتاد که نقل کرده اند: «کادالقوم أن یتفرّقوا؛ نزدیک بود که لشکر از هم بپاشد»

و لـذا عمر سـعد که در تنگنـای سـختی قرار گرفته بود و از این امر بسـیار وحشت زده شـد، دیگر نمی توانست کاری کنـد جز دستور به شهادت رساندن آن طفل را، هر چند در ظاهر تیر به حلقوم طفل شیرخوار حسین پرتاب شد و او را شهید نمود، لیکن در واقع عمر سـعد دسـتور داد تیر به ریشه کـاخ نشـینان بنی امیه نشـانه رود.با همین تیر، ریشه بنی امیه و یزیـد قلع و قمع شـد و نقاب قـداستی که به وسـیله آن برای انحراف دین و بـدعت به چهره گذاشـته بودند، شـکافته شد، و چهره حقیقی مخوس آنان برملا و آشکار کردند، آن گاه حقیقت موزیانه و شریر یزید و بنی امیه بر همه دنیا برملا شد.

کشانیدن یزید برای محاکمه علنی در مجلس شام

پس از رسوایی بنی امیه و پس از آن که بر همه آشـکار شد که هدف یزید و بنی امیه از بدعت گذاشتن در دین نابودی اسلام و محـو آن بـوده و یزیـد و بنی امیه دشـمنان قسم خورده قرآن و اسـلامند اکنون نوبت محـاکمه علنی یزیـد خلیفه نمـاست این رسالت را باید کسـی بر عهده گیرد که فوق العاده باشد و سختی ها و مشقّت های طاقت فرسایی را تحمل کند. در این رسالت دو مأموریت را باید انجام دهد.اول یزید خلیفه غاصب را به پشت میز محاکمه جلب کند؛دوم او را به اقرار به ماهیت الحادی و مشـرک بودن خود و این که هـدف از ایجاد این بـدعت ها در دین اسـلام جزء دشـمنی با دین اسـلام و نابودی آن بوده وادار کند.

اعترافات خلیفه جنایت کار بر کفر الحاد و دشمنی با اسلام

آن وقتی که پاره تن حیدر کرّار با غرور و عزت به یزید نهیب زد که یابن الطلقا تو را چه به دین تو کسـی هستی که گوشت و پوست و اسـتخوانت از خون شـهدای اسـلام روییده شده تو کوچک تر از آنی که بتوانی رخنه و انحراف در دین اسـلام ایجاد کنی بـدان ای یزیـد تو بازنده ای و آگاه باش که برادرم حسـین نقشه های تو و هم دسـتانت را بر ملا کرد تو و پیروانت از بین رفتید، آن گاه خلیفه بدعت گذار از کلمات آن علیا مخدره حضرت زینب کبری (س) دهشت زده و وحشت کرده جام شراب را در ملاـء عـام برداشت و نوشـید، تـا فسق و فجور خود را بـا این حرکت آشـکار کنـد، سـپس به الحـاد و مشـرک بودن خود اعتراف

کرد و اشعار ابن زبعه را که در جنگ احد به تلافی کشته شده های کفّار بدر گفته بود، بر زبان آورد:لعبت هاشم با لملک فلا خبر جاء ولا وحی ٌنزل لیت أشیاخی بِبـدر شـهدوا و یقولوا یا یزید لا تشل مردم اهل شام و اهل مجلس که اکثر شاد و خرّم در آن مجلس بودند، شگفت زده و مبهوت با تعجب از حرکات و اعتراف یزید بر کفر و مشرک بودن خود، فریاد لعن بر یزید و بنی امیـه سـر دادنـد و همـه بنی امیـه رسـوا و مـاهیت تمـام بـدعت گـذاران بعـد وفـات پیغمـبر خـدا (ص) تـا آن روز آشـکار شد.حقیقت دین اسـلام به سـبب شـهادت حضـرت سیدالشهدا (ع) از گزند یزید و اتباعش مصون شد و قیام حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و شهادت او و یارانش عبرتی برای هر بدعت گذار و درسی برای هر مجاهد و عالمی شد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹